



Studies on Israel - US
Vol 25. No 1. Spring 2024
Received date: 2023.12.29
Acceptance date: 2024.02.14



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Analysis of Electoral Behavior of Voters in the Zionist Regime

Seyed Ahmad Mousavi¹, Marzieh Sajjadi²



Abstract

Participation in elections and voting is one of the most important components of citizens' political behavior. In explaining how citizens participate, voting preferences and quality of decision making in selecting and voting for election candidates, there are three sociological models and theoretical approaches, psychological-political approach and rational-economic choice approach. The present article while analyzing and evaluating these three categories of theories and in response to the question that in the Zionist regime, the electoral behavior of citizens can be explained by which of the models and theoretical bases? It emphasizes on this hypothesis that electoral behavior and voting is a time-grown, context-grown and place-grown phenomenon, and therefore it is not possible to achieve a universal hypothesis that explains why, how and the content of voting in all constituencies within a geographical unit, including the Zionist regime analyzed and evaluated based on that and to measure the effectiveness of the factors affecting voting preferences in this regime, it is necessary to take advantage of consolidated views in this regard. The general finding of the research is that electoral behavior in the Zionist regime is a function of economic-social factors, achieving security, religious and ideological values, personal characteristics of the party leader, stance towards compromise negotiations with Palestine, and the ethnic preferences of the voters.

Keywords: Voting Preferences, Parties, Zionist Regime, Likud.

1 - Master's Degree in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2 - Master's Degree in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

تحلیل رفتار انتخاباتی رای‌دهندگان در رژیم صهیونیستی

سید احمد موسوی^۱، مرضیه سجادی^۲



چکیده

مشارکت در انتخابات و رای دادن از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتار سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. در تبیین چگونگی مشارکت شهروندان، ترجیحات رای‌دهی و کیفیت تصمیم‌گیری در گزینش و رای دادن به نامزدهای انتخاباتی، سه الگو و رویکرد نظری جامعه‌شناختی، رویکرد روانی - سیاسی و رویکرد انتخاب عقلایی - اقتصادی وجود دارد. مقاله حاضر ضمن تحلیل و ارزیابی این سه دسته نظریه و در پاسخ به این پرسش که در رژیم صهیونیستی رفتار انتخاباتی شهروندان با کدام یک از الگوها و بنیان‌های نظری قابل تبیین است؟ بر این فرضیه تأکید دارد که رفتار انتخاباتی و رای‌دهی، پدیده‌ای زمان‌پرورده، زمینه‌پرورده و مکان‌پرورده است و از این رو نمی‌توان به فرضیه‌ای جهان‌شمول دست یافت که چرایی، چگونگی و محتوای رای‌دهی را در همه حوزه‌های انتخابیه درون یک واحد جغرافیایی از جمله رژیم صهیونیستی، بر اساس آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد و برای تأثیرسنجی مبانی تأثیرگذار بر ترجیحات رای‌دهی در این رژیم، بایستی از دیدگاه‌های تلفیقی در این خصوص بهره برد. یافته اجمالی تحقیق این است که رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی تابعی از عوامل اقتصادی - اجتماعی، دستیابی به امنیت، ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک، ویژگی‌های فردی رهبر حزب، موضع‌گیری نسبت به مذاکرات سازش با فلسطین و خواستگاه قومی رای‌دهندگان می‌باشد.

واژگان کلیدی: ترجیحات رای‌دهی، احزاب، رژیم صهیونیستی، لیکود.

۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mosavi.shosh@gmail.com

۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. sajadi1391@gmail.com

مقدمه

رای‌دهی و مشارکت در انتخابات رایج‌ترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رای دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال نمایند. رای‌دهی در واقع یک نوع مکانیسم اجتماعی برای جمع‌آوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رای‌دهی، دادن فرصت برای جانشینی و انتقال پست‌ها و مسئولیت‌ها در جامعه می‌باشد. با توجه به این نکات، مطالعه و تحلیل رفتار رای‌دهندگان از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است. این نوع مشارکت همراه با عضویت در احزاب و انجمن‌های سیاسی، کار و فعالیت تبلیغاتی برای نامزدهای انتخاباتی، تماس با مسئولان یا مقامات سیاسی و انواع فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی مانند ارائه سخنرانی‌های انتخاباتی، تلاش برای اقناع شهروندان دیگر به رای دادن به نامزدهای انتخاباتی و غیره از اشکال متعارف (قانونی) مشارکت سیاسی است (Dowse & Hughes, 1986: 293).

مطالعه و بررسی شرایط حاکم بر فضای انتخابات، شرایط افزایش میزان مشارکت در انتخابات و عوامل تشویق شهروندان به رای‌دهی و سنجش گرایش‌ها و تمایلات سیاسی و اجتماعی و چگونگی تصمیم‌گیری رای‌دهندگان، از موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی سیاسی است که در حوزه رفتار سیاسی با عنوان رفتار رای‌دهندگان و رای‌شناسی به صورت تخصصی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۵). نکته دیگر این است که بررسی رفتار انتخاباتی مردم، صرفاً به حوزه جامعه‌شناسی مربوط نمی‌شود، بلکه در نقطه تلاقی بین علوم مختلف از جمله سیاست، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، ارتباطات و آمار قرار می‌گیرد. تحلیل درست رفتارهای انتخاباتی و همچنین میزان موفقیت افراد و گروه‌های سیاسی در انتخابات، بستگی به شناخت رویکردها و نگرش‌های علمی و نیز بهره‌گیری از ابزارهای فنی و رسانه‌ای در این زمینه دارد؛ زیرا در دنیای امروز نمی‌توان با شیوه‌های سنتی سابق، به تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی از رقابت انتخاباتی پرداخت، مگر اینکه اساساً رقابتی در کار نباشد و هر آنچه به صحنه می‌آید، صورت‌سازی از این فضای دموکراتیک باشد. از این رو به نظر پژوهشگر، بدون توجه به فضای بومی، محیطی، مکانی و زمانی حاکم بر کشور و با روش‌های سنتی و منسوخ، امکان بررسی رفتارهای انتخاباتی شهروندان، تقریباً امری غیر ممکن است. در هر جامعه، دلایل مردم برای شرکت کردن یا عدم مشارکت در انتخابات به گونه‌ای متفاوت است. صاحب‌نظران عرصه رفتار انتخاباتی و رای‌دهی معتقد هستند که هنوز چارچوب نظری استواری برای مطالعه این نوع مشارکت

سیاسی (رفتار انتخاباتی) وجود ندارد. اما می‌توان به مجموعه‌ای از رویکردها و الگوهای نظری اشاره کرد که هر کدام جوانی از رفتار رای‌دهی مردم را تبیین می‌کند. سن افراد، جنسیت، خواستگاه قومی، میزان درآمد، درجه دین‌داری و غیره همگی مسائلی هستند که بر رفتار رای‌دهنده تاثیرگذار هستند.

با اختلاف‌های به وجود آمده در کابینه سی‌وسوم رژیم صهیونیستی بر سر مواردی مثل لایحه هویت یهودی آن میان نتانیاهاو و افراد سرشناس این ائتلاف همانند یئیر لپید، رئیس حزب یش عاتید و خانم لیونی، رئیس حزب هاتنوعا، سرانجام نتانیاهاو کابینه خود را منحل کرد و با انحلال کنست مقرر شد انتخابات سراسری دیگری در اراضی اشغالی برگزار شود. به این ترتیب رقابت‌های انتخاباتی آغاز شد و پس از مجادلات فراوان سرانجام بار دیگر حزب لیکود به ریاست بنیامین نتانیاهاو اکثریت آراء را از آن خود کرد، اما از آنجا که آرای این حزب همچون سال‌های پیش برای تشکیل دولت به تنهایی کفایت نمی‌کرد، به ناچار پس از مامور شدن به تشکیل کابینه توسط ریوون ریولین، رئیس این رژیم، مذاکرات ائتلافی خود را با احزاب مختلف آغاز نمود و سرانجام دو ساعت مانده به پایان مهلت قانونی خود با متقاعد کردن حزب خانه یهود به شرکت در ائتلاف آن، توانست ائتلافی دولتی با ۶۱ کرسی کنست یعنی حداقل لازم برای انجام این امر تشکیل دهد.

انتخابات کنست بیستم صهیونیست‌ها در ۱۷ مارس ۲۰۱۵ برگزار و حزب لیکود با ۳۰ کرسی، جبهه صهیونیستی با ۲۴ کرسی، فهرست مشترک عربی با ۱۳ کرسی، یش عاتید با ۱۱ کرسی، کولانو با ۱۰ کرسی، خانه یهود با هشت کرسی، شاس با هفت کرسی، یهودیت توراتی و اسرائیل بیتنا با شش کرسی و میرتص با پنج کرسی به ترتیب وارد کنست شدند. موقعیت این احزاب در نقشه سیاست داخلی، بر اساس اساسنامه‌ها و مواضع آنها درباره مسائل مختلف مشخص می‌شود. معیار مهم برای طبقه‌بندی و شناخت احزاب را می‌توان دیدگاه آنان نسبت به راه‌حل دو دولتی و مذاکرات سازش، عوامل اقتصادی - اجتماعی، دستیابی به امنیت، ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک، ویژگی‌های فردی رهبر حزب، موضع‌گیری نسبت به مذاکرات سازش با فلسطین و خواستگاه قومی رای‌دهندگان رژیم صهیونیستی برشمرد. به‌عنوان مثال وجه مشخصه حزب کولانو، دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی آن به شمار می‌رود، اما از نظر سیاسی به همان خط‌مشی لیکود اعتقاد دارد. این حزب بیشتر طرفدار تساوی اقتصادی و قشر مصرف‌گرا می‌باشد. حزب شاس و یهودیت توراتی به شدت بر جامعه خریدی (مذهبیان افراطی) تمرکز دارند و به دنبال کسب امتیازاتی برای آنها هستند؛ این در حالی است که حزب لیکود از اندیشه‌های سکولارتری برخوردار است.

در این مقاله به منظور جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی، ضمن معرفی و تحلیل رویکردهای عمده در باب انتخابات، به بررسی رفتار انتخاباتی کنست بیستم در این رژیم بر اساس سطح‌بندی مشارکت سیاسی و رفتار رای‌دهی پرداخته شده است. پرسش این است که رفتار انتخاباتی و ترجیحات رای‌دهی در رژیم صهیونیستی با کدام الگوها و نظریه قابل تبیین است؟ محقق ضمن تحلیل رویکردهای عمده‌گزینش انتخاباتی بر این فرضیه تاکید کرده که رفتار انتخاباتی و رای‌دهی، پدیده‌ای زمان‌پرورده، زمینه‌پرورده و مکان‌پرورده است و از این رو نمی‌توان به فرضیه‌ای جهان‌شمول دست یافت که چرایی و چگونگی و محتوای رای‌دهی را در همه حوزه‌های انتخابیه درون یک واحد جغرافیایی، بر اساس آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد و برای تاثیرسنجی مبانی اثرگذار بر ترجیحات رای‌دهی در رژیم صهیونیستی بایستی از دیدگاه‌های تلفیقی در این خصوص بهره برد. یافته‌های اجمالی تحقیق این است که رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی تابعی از عوامل اقتصادی - اجتماعی، دستیابی به امنیت، ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک، ویژگی‌های فردی رهبر حزب، موضع‌گیری نسبت به مذاکرات سازش با فلسطین و خواستگاه قومی رای‌دهندگان است.

بررسی عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی به ندرت به صورت مقاله یا پژوهش علمی مورد توجه قرار گرفته و منابع فارسی موجود بیشتر به ساختار حزبی و نظام انتخاباتی در این رژیم پرداخته است. مقاله اصغر افتخاری با عنوان «جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل» و مقاله «دیدگاه‌ها و جناح‌ها در اسرائیل: مطالعه نظام انتخاباتی» از مسعود آریایی‌نیا در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک از نمونه این مطالعات به شمار می‌روند. اما محقق در این کاوش سعی نموده با تمسک به یافته‌های محققان عربی و اسرائیلی در این زمینه به تاثیرسنجی عوامل مختلف (اقتصادی، امنیتی، دینی، شخصیتی، موضع‌گیری نسبت به مذاکرات سازش و خواستگاه قومی رای‌دهندگان) بر موفقیت احزاب رژیم صهیونیستی در کنست بیستم بپردازد. داده‌های پژوهش نیز بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته در این چارچوب جمع‌آوری شده است؛ نخست، نظرسنجی موسسه دموکراتیک اسرائیل پس از انتخابات کنست ۲۰۱۳، دوم نظرسنجی کامیل فاکس پس از انتخابات اخیر در سال ۲۰۱۵ و نهایتاً نظرسنجی‌های منتشر شده در روزنامه‌های هآراتص و یدیعوت آحرنوت.

۱. رفتارشناسی انتخاباتی: الگوها و نظریه‌ها

انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت برون‌دادی سیاسی دارد. به همین جهت است که برای اهل اندیشه، مستمسک خوبی به منظور تعمق و تأمل خواهد بود. بی‌تردید آنچه از صندوق‌های

رای بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی یک جامعه است و می‌تواند شاخص تحلیل‌های متعدد قرار گیرد (مور، ۱۳۸۵: ۵۷).

۱-۱. الگوها و رویکردهای عمده

از نیمه دوم قرن بیستم دانشمندان کوشیده‌اند علل و انگیزه‌های مشارکت سیاسی و خصوصا مشارکت انتخاباتی را مورد بررسی قرار دهند و در این زمینه نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. این بحث ریشه در تجارب طولانی انتخابات در کشورهای غربی دارد. در ابتدا برخی بر این باور بودند که گروه‌های مختلف اجتماعی رفتاری مشابه از خود در انتخاب‌های متفاوت نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال ساکنان یک منطقه جغرافیایی خاص برای سال‌های طولانی جناحی خاص را بر می‌گزیدند و در انتخابات به آنها رای می‌دادند. این امر پژوهشگران را بر آن داشت تا عنصر جغرافیا را به‌عنوان متغیر مستقل در توضیح رفتار رای‌دهندگان به شمار آورند. مطالعات پس از جنگ جهانی دوم نشان داد رفتار رای‌دهندگان فراتر از منطقه جغرافیایی است، به گونه‌ای رفتار رای‌دهندگان را به‌عنوان پدیده‌ای با متغیرهای مختلف فردی، اجتماعی و حتی جغرافیایی می‌توان مورد توجه قرار داد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۶). در یک دیدگاه الگوهای نظری مختلف درباره رفتار انتخاباتی در سه رویکرد عمده خلاصه می‌شود: رویکرد جامعه‌شناختی، رویکرد روانی - سیاسی و رویکرد انتخاب عقلایی اقتصادی.

رویکرد جامعه‌شناسانه که از سوی پل لازارسفلد و گروه تحقیقاتی دانشگاه کلمبیا (سال ۱۹۴۰) ارائه شد، نشان داد که با مطالعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد رای‌دهنده می‌توان جهت‌گیری سیاسی و در نتیجه رای‌دهی آنان را پیش‌بینی کرد. به عبارت دیگر، میان شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد و رای‌دهی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد. لازارسفلد نتیجه می‌گیرد که: فرد از نظر سیاسی آن گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی افراد است (Lazarsfeld, 1994: 27). رای‌دهی مبتنی بر گروه اجتماعی، با ارائه الگوی جامعه‌شناختی مطالعه رفتار رای‌دهندگان را آسان می‌کند. رای‌دهندگان به جای اینکه سعی کنند از همه موضوعاتی که در تبلیغات انتخاباتی مطرح می‌شود آگاه شوند، بر حزبی (یا احزابی) تمرکز می‌کنند که به طور تاریخی از گروه اجتماعی آنها حمایت کرده است. رای‌دهنده‌ای که متعلق به یک گروه اجتماعی خاص است، می‌تواند بر مبنای اصول کلی نظیر تایید حزب یا احزاب مورد نظر، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های تجاری، گروه‌های مذهبی و نظایر آن دست به انتخاب بزند. این اصول راهنما، یک راه میانبر برای انتخاب عقلانی رای‌دهندگان است. برای مثال، یک کارگر به حزبی که

حمایت بسیار زیادی از کارگران می‌کند رای می‌دهد؛ در واقع انتخابی انجام می‌دهد که در اکثر موارد منطقاً منافع صنفی‌اش را نمایندگی می‌کند. در این دیدگاه، پایگاه گروهی هر حزب به این معنا نیز بود که رای‌دهندگان از گرایش‌های حزبی برخوردار بوده و در انتخابات مختلف گرایش‌های پایدار باقی می‌مانند و فرایند تصمیم را برای رای‌دهنده تسهیل می‌کند.

در رویکرد روانی - سیاسی، رای دادن قبل از آنکه پدیده‌ای اجتماعی باشد، تابع تلقی افراد از موضوعات مهم سیاسی در جامعه است. پژوهشگران دانشگاه میشیگان (۱۹۴۸) با مطالعه انتخابات مختلف ریاست جمهوری در آمریکا به این نتیجه رسیدند که تصمیم رای‌دهندگان بیشتر تابع عامل روانی است. وابستگی به احزاب و به دنبال آن نوع رای دادن، در بسیاری موارد نوعی پیوند و علاقه عاطفی و احساسی است که اغلب از سوی خانواده و محیط به فرد القا می‌شود. لذا رای دادن پدیده‌ای ناخودآگاه و تا حد زیادی موروثی است. این گونه تبیین‌ها بیشترین تاکید را بر محرک‌های روانی و انگیزشی معطوف داشته‌اند و معتقد هستند که فرد در مشارکت، بیشتر تحت تاثیر انگیزه‌هایی مانند مطلوبیت‌خواهی، اثربخشی، انجام وظیفه و انگیزه‌های اقتصادی قرار دارد. اگر بخواهیم متغیرهای مربوط به دیدگاه روان‌شناسی را در یک مدل ببینیم، بهترین مدل نمونه رابرت دال در کتاب انسان سیاسی است. مدل او مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی رفتارگرایانه است. او احتمال افزایش شرکت در سیاست را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است که احتمال افزایش شرکت افراد در سیاست به عواملی مانند پاداش یا مزایای حاصل از آن، بستگی دارد. نظریه رابرت دال را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- اگر مردم در ارزشیابی خود متوجه شوند پاداشی که از مشارکت سیاسی و اجتماعی به دست می‌آید از پاداش دیگر فعالیت‌ها ناچیزتر است، یقیناً خود را در این امور درگیر نخواهند ساخت.

- هرگاه فرد تصور کند که فعالیت سیاسی او در صحنه سیاست بی‌تاثیر است و نمی‌تواند منشاء تغییر باشد، هرگز در آن وارد نمی‌شود.

- هرگاه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنان نتایج اقدامات سیاسی رضایت آنان را تامین می‌کند، احتمال مشارکت آنها در سیاست کمتر خواهد شد.

- هرگاه فرد خود را به علت محدودیت آگاهی و دانش لازم فاقد کارایی سیاسی جهت دخالت در سیاست تصور کند، ترجیح می‌دهد کمتر در آن مشارکت داشته باشد (دال، ۱۳۶۴: ۱۳۷).

از مهم‌ترین نظریه‌ها برای تبیین رفتار رای‌دهی مردم رویکرد انتخاب عاقلانه است که از سوی طیفی از نظریه‌پردازان ارائه شده است. در این دیدگاه تلاش می‌شود نشان داده شود که افراد چگونه شرایط

سیاسی جامعه خود را درک کرده و برای مشارکت و نوع رای دادن خویش به احزاب یا افراد دلیل می‌آورند. شهروندان در جریان مبارزات انتخاباتی به ارزیابی دولت و عملکردهای آن می‌پردازند و ادعاها و برنامه‌های افراد یا احزاب مخالف را با آن مقایسه می‌کنند و سپس دست به گزینش از میان گزینه‌های موجود می‌زنند. این فرض که انسان‌ها در مورد سیاست عاقلانه تفکر می‌کنند، در برخی نظریات زیر سؤال قرار گرفته است. گراهام والاس رفتار رای دهندگان را بیشتر عاطفی و متعصبانه و متأثر از تبلیغات و جاذبه‌های نمادین می‌داند. والتر لیپمن نیز در کتاب افکار عمومی، فرضیه‌های مربوط به عقلانی عمل کردن رای دهندگان را رد می‌کند و معتقد است بیشتر مردم روابط عمومی را به شکل گفتار، کردار یا پندار قالبی تصور می‌کنند (سید امامی، ۱۳۸۴: ۶۳).

دو رویکرد دیگر در چارچوب دیدگاه انتخاب عاقلانه وجود دارد که می‌کوشند به این سؤال پاسخ دهند که چرا مردم رای می‌دهند یا از رای دادن خودداری می‌کنند و چرا افراد یک حزب یا کاندیدا را بر حزب یا کاندیدای دیگر ترجیح می‌دهند. رویکرد اول، رویکرد نئوکلاسیک انتخاب عامه است که مهم‌ترین سخنگوی آن آنتونی داونز است و نظریه پردازان دیگری مانند جیمز بوکنن، گوردن تولاک، ویلیام ریکر، پیتر اردشاک و دنیس مولر نیز تقریرهای گوناگون آن را ارائه داده‌اند. در این رویکرد فرض می‌شود که انگیزه افراد برای شرکت در انتخابات و رای دادن اساساً بر پایه منافع اقتصادی آنها شکل می‌گیرد. آنها انتظار دارند از سیاست‌های دولت منتفع شوند و در مجموع کاندیداها یا احزابی را بر می‌گزینند که منافع مطلوب مشخصی را برایشان تامین کنند (Anderain & Apter, 1995: 260).

رویکرد نظری دیگر در چارچوب دیدگاه انتخاب عاقلانه برای تبیین رفتار رای‌دهی شهروندان رویکرد ساختارگرا است که از برخی مفاهیم جامعه‌شناختی مثل ارزش‌ها، هنجارها و ساختارها برای تبیین گزینشی که نهایتاً از سوی کنشگران صورت می‌گیرد، استفاده می‌کند. این رویکرد را در تحلیل‌های جرج هومنز، مایکل هکتر و دانیل لیتل می‌یابیم و بر این فرض استوار است که ارزش‌ها و هنجارهای موجود در محیط اجتماعی فرد و ساختارهای اجتماعی - سیاسی بر مقاصد رای‌دهی تاثیر می‌گذارند. افراد به جای اینکه صرفاً به دنبال منافع شخصی خود باشند، مسائل کلی‌تر و منافع افراد یا گروه‌های دیگر را نیز در نظر می‌گیرند. تصمیم‌های آنها اگرچه در نهایت به طور فردی اتخاذ می‌شود، اما آنها ملاحظات دیگری سواى منافع شخصی خود را نیز به طور عقلانی مد نظر قرار می‌دهند. لذا، با وجود آنکه افراد در پردازش اطلاعات سیاسی و ارزیابی شقوق ادراک شده نقشی فعال دارند، تصمیم‌های آنها را نمی‌توان مستقل از شرایط محیطی آنها دانست. انواع فرصت‌ها یا محدودیت ساختاری از نوع

ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و غیره بر تصمیم‌های شخصی آنها اثر می‌گذارد (Anderain & Apter, 1995: 267).

۲-۱. زوال عوامل سنتی اثرگذار بر الگوی رای‌دهی

تحول اجتماعی در دموکراسی‌های پیشرفته، ساختار گزینش انتخاباتی و عوامل مؤثر بر رفتار رای‌دهندگان را تغییر داده است. برای مثال، اهمیت و نقش جایگاه طبقاتی که از منسجم‌ترین الگوها در رفتار رای‌دهی ملت‌ها در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم بود، دچار خدشه و فروپاشی شده است. رای‌دهی طبقاتی تقریباً همه نظام‌های حزبی دموکرات باسابقه در حال کاهش است. افزایش درآمد طبقه کارگر، تفاوت‌های موجود در شرایط زندگی طبقات مختلف را کاهش داده و اهمیت منازعه سیاسی مبتنی بر طبقه را کمرنگ کرده است. رشد بخش خدمات و اشتغال در حکومت ساختار نیروهای کار را بیشتر تغییر داده و جوامع پسا صنعتی جدیدی ایجاد کرده است. این تحول با تغییرات دیگری در ساختار اجتماعی هم‌زمان است. برای مثال، جوامع مدرن به نیروی کار با تحصیلات بیشتری نیازمند هستند و دسترسی به آموزش به گونه‌ای چشم‌گیر افزایش یافته، تغییر الگوهای اشتغال تحرک جغرافیایی و شهرنشینی بیشتری را نیز به همراه آورده و شیوه‌های زندگی بازتر و سیال‌تری در کلان‌شهرها برای بسیاری از شهروندان فراهم آورده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۱).

یکی از پیامدهای این روندها افزایش مهارت‌ها و منابع سیاسی رای‌دهندگان معاصر است. گسترش رسانه‌های جمعی باعث انفجار اطلاعاتی شده است. رای‌دهندگان معاصر در یک محیط اطلاعاتی کاملاً اشباع شده زندگی می‌کنند. این تغییر در محیط اطلاعاتی زحمت رای‌دهندگان را برای آگاه ماندن در عرصه سیاسی کاهش و دسترسی بالقوه‌شان به طیف وسیعی از اطلاعات را افزایش می‌دهد. توسعه رسانه‌های جمعی و نحوه عمل در عرصه سیاست را نیز متحول نموده و تأکید بیشتری بر شخصیت کاندیداها، نحوه تبلیغات تلویزیونی و مبارزات رسانه‌ای است. منافع و ارزش‌های سیاسی رای‌دهندگان معاصر نیز تغییر کرده و موضوعات جدیدی در دستور کار سیاسی قرار گرفته است. نگرانی در مورد حفاظت از محیط زیست، حقوق بشر، نقش زنان و موضوعات مربوط به شیوه‌های زندگی گوناگون؛ این موضوعات غالباً شکاف‌های سیاسی و اجتماعی که به طور تاریخی رقابت حزبی را شکل می‌دادند، قطع کرده‌اند. برای مثال، گروه‌های اجتماعی که به طور سنتی در موضوعات اقتصادی محافظه‌کار بودند، ممکن است در موضوعات فرهنگی جدید و مسائل مربوط به شیوه زندگی مواضع متفاوتی اتخاذ کنند. این تغییرات باعث می‌شود که الگوهای با ثبات و عادت‌گونه تمایل به احزاب کمتر در تعیین رفتار

رای‌دهی افراد نقش داشته باشند (سراج زاده، ۱۳۹۲: ۵۶).

۳-۱. گزینش انتخاباتی در زمان معاصر

نتایج مطالعات اخیر بر رفتار رای‌دهندگان نشان می‌دهد دیگر نباید به رفتار رای‌دهی افراد از منظر یک مدل واحد (نظیر یک مدل جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی) فکر کنیم، بلکه رفتار رای‌دهی در عصر حاضر به زیربخش‌های متفاوتی تقسیم شده و تحت تاثیر عوامل چندگانه‌ای قرار دارد. از این رو گروه‌های مختلف رای‌دهندگان ممکن است تصمیماتشان را بر مبنای معیارهای متفاوتی اتخاذ کنند. برای مثال، اگرچه اهمیت عوامل جامعه‌شناختی به طور کلی کاهش یافته، اما این عوامل همچنان برای بخش‌های کوچکی از جمعیت که به شدت جذب شبکه‌های اجتماعی سنتی هستند به‌عنوان خطوط راهنمای قدرتمندی عمل می‌کنند (میلبرث، ۱۳۹۱: ۷۰).

امروزه بسیاری از افراد تصمیماتشان را بر مبنای موضوعات یا نوع نگاهشان به کاندیداها اتخاذ می‌کنند. تحقیقات انتخاباتی نشان می‌دهند، زوال رای‌دهی مبتنی بر گروه اجتماعی در طی زمان با افزایش رای‌دهی «موضوع محور» همراه بوده است. رای‌دهی موضوع محور در بر دارنده موضوعاتی است که بتواند بر تصمیمات رای‌دهندگان تاثیر بگذارد. اینها موضوعاتی هستند که مردم را به موافق و مخالف تقسیم می‌کنند که به موضوعات «شکاف‌زا» معروف هستند؛ مسائلی مانند ملی کردن صنایع، افزایش یا کاهش هزینه‌ها در یک حوزه سیاست‌گذاری یا اجازه سقط جنین. موضوعی که بتواند بر تصمیمات رای‌دهندگان تاثیر بگذارد، باید در مبارزه انتخاباتی و برای رای‌دهندگان برجسته و مهم باشد و احزاب مواضع متفاوتی در مورد آن داشته باشند. شکل دیگر رای‌دهی موضوع محور در بر دارنده موضوعات «عملکردی» است. موضوعات عملکردی معمولاً مورد حمایت مردم است و بنابراین ارزیابی‌های رای‌دهندگان بر عملکرد حکومت (یا مخالفان حکومت) در دستیابی به این اهداف مطلوب متمرکز می‌شود. برای مثال، کدام حزب می‌تواند به بهترین وجه یک اقتصاد سالم ایجاد کند، جرم را کاهش دهد یا صلح را برای ملت تامین کند؟ چنین ارزیابی‌های عملکردی معیارهایی هستند که بسیاری از رای‌دهندگان از آنها استفاده می‌کنند. محققان انتخابات تمرکز قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد اقتصادی به‌عنوان معیار انتخاب رای‌دهندگان نموده‌اند. در هر حال، قضاوت در مورد عملکرد حزب و کاندیدا در زمینه ابعاد خاصی از سیاست‌گذاری‌ها تعیین‌کننده انتخاب رای‌دهنده هستند (Rose, 2000: 78).

اخیراً بعضی از پژوهشگران یک رویکرد بسیار متفاوت را در مورد ارزیابی مردم از کاندیداها مطرح کرده‌اند؛ این رویکرد معتقد است که ارزیابی کاندیداها لزوماً ظاهری، احساسی یا کاملاً کوتاه مدت

نیست. رای‌دهندگان ممکن است بر ویژگی‌های شخصی کاندیدا تمرکز کنند تا اطلاعات مهمی در مورد آن دسته از ویژگی‌های کاندیدا به دست آورند که به آنها در ارزیابی چگونگی عملکرد آن کاندیدا در آینده کمک می‌کند؛ ویژگی‌هایی نظیر درستی، قابل اعتماد بودن و کفایت. اگر یک کاندیدا برای انجام وعده‌هایش به شدت بی‌کفایت است و یا آنقدر بی‌صداقت است که نمی‌توان به وعده‌هایش اعتماد کرد، پس برای یک رای‌دهنده کاملاً معقول خواهد بود که او را، صرف نظر از تعلقاتش به این یا آن حزب، رد کند. ذهنیت و تصورات مردم از کاندیداها نقش مهمی در انتخابات خصوصاً در آمریکا ایفا می‌کند؛ چرا که نظام انتخاباتی و احزاب ضعیف این امکان را برای کاندیداها فراهم می‌آورند که خودشان به عامل محوری انتخاب رای‌دهندگان تبدیل شوند (یوسفی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۳).

۲. عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی

انتخابات (زود هنگام) اخیر کنست رژیم صهیونیستی پس از آن برگزار شد که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر دولت سابق این رژیم به دنبال بحران ساختاری و در نتیجه عرف سیاسی اسرائیل مجبور به انحلال نوزدهمین دوره کنست و اعلام برگزاری انتخابات زود هنگام شد. بحران ساختاری رژیم صهیونیستی ناشی از بی‌ثباتی عرصه سیاسی در رژیم صهیونیستی است؛ چرا که از سال ۱۹۹۲ هیچ دولت صهیونیستی دوره قانونی فعالیت خود را به طور کامل سپری نکرده و در این میان، دولت اخیر نتانیاهو با بیشترین مشکلات مواجه بود؛ به طوری که روسای تمامی احزاب حاضر در ائتلاف دولتی فکر می‌کردند که جزو نامزدهای تصدی سمت نخست‌وزیری دولت آتی هستند. دولت نتانیاهو در آن زمان با بحران‌های داخلی متعددی مانند بودجه، پیش‌نویس قانون «قومیت یهودی»، ضعف نتانیاهو در نتیجه ضعف حزب وی و منازعات داخلی که هم‌زمان با جنگ غزه شکل آشکارتری به خود گرفت، مواجه بود. در این شرایط، نتانیاهو احساس کرد که فرصت برای ورود حزب لیکود به عرصه انتخابات و بازیابی قدرت سیاسی خود و در نهایت در دست گرفتن زمام رهبری دولت فراهم است و این حزب می‌تواند با برتری چشم‌گیر آراء بر شرکای سیاسی خود پیروز شود؛ به‌ویژه که محبوبیت نتانیاهو بیشتر از هر سیاستمدار دیگری در اسرائیل بود. نتانیاهو بر این باور بود که افزایش قدرت حزب لیکود باعث تکرار تجربه دولت دوم وی (طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳) خواهد شد که طولانی‌ترین دوره حکومت وی طی دو دهه گذشته بود.

گزینش انتخاباتی در رژیم صهیونیستی تابعی از عوامل مختلف نظیر توجه اقتصادی و اجتماعی، میزان توانایی دسترسی به امنیت، ویژگی‌های شخصی رئیس حزب، موضع‌گیری نسبت به مذاکرات صلح،

رویکرد دینی و ایدئولوژیک و نهایتاً خواستگاه قومی رای‌دهندگان است. در سطور زیر سعی شده از طریق رصد نظرسنجی‌های صورت گرفته در خصوص عوامل مؤثر بر رفتار رای‌دهندگان به این مهم پرداخته شود:

۱-۲. میزان توجه احزاب به مسائل اقتصادی - اجتماعی

طبق نظرسنجی آکادمی دموکرات اسرائیل که هم‌زمان با انتخابات کنست سال ۲۰۱۳ صورت گرفت، ۵۲٪ رای‌دهندگان اولویت انتخاب نمایندگان خود را به میزان توجه آنان به مسائل اقتصادی و اجتماعی معطوف داشته‌اند، همچنین ۴۹٪ رای‌دهندگان به تاثیر کابینه جدید بر سیاست‌های اقتصادی معتقد بودند (ایله، ۲۰۱۳/۹/۱۶). این نتایج در نظرسنجی پروفیسور کمیل فاکس در سال ۲۰۱۵ و نظرسنجی روزنامه هآرتز که حول اولویت‌های رای‌دهندگان انجام گرفت، مشهود بود؛ به گونه‌ای که ۵۳٪ رای‌دهندگان، به مسائل اقتصادی و اجتماعی در انتخاب خود اهتمام داشتند (موقع القناه العاشره، ۲۰۱۵/۱/۲۵).

در سال‌های تکوین کشور جعلی رژیم صهیونیستی (۱۹۶۵-۱۹۴۸)، مشکلات اقتصادی بر تامین منابع مالی جنگ با اعراب و نیازهای مهاجران جدید متمرکز شده بود. اما حکومت با طرح‌های توسعه اقتصادی، ماهیت اقتصاد سوسیالیستی، کمک‌های مالی ایالات متحده، پرداخت غرامت‌های جنگی آلمان، ترکیب جزئی اقتصاد اراضی اشغالی فلسطین و بهره‌گیری از نیروی کار ارزان، توانست رشد اقتصادی خود را به سرعت بهبود بخشد (Halevi, 2014/12/13). پس از آن در دوره زمانی ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵ رژیم صهیونیستی به دلیل افزایش تعداد جمعیت و ضعف دولت در ارائه خدمات، با تورم اقتصادی شدیدی مواجه شد (لافی، ۲۰۱۴/۱۰/۳۱). این امر منجر به اجرای طرح وضعیت اضطراری در سال ۱۹۸۵ و انتقال به اقتصاد لیبرالی گشت؛ کاهش حجم هزینه‌های دولت، کاهش حمایت دولت از صنایع مصرفی، عدم دخالت مستقیم دولت در اقتصاد و کاهش حقوق کارمندان از بندهای این طرح بود (حیدر، ۲۰۱۵: ۳۳).

عامل اصلی موفقیت طرح انتقالی اقتصاد اسرائیل، هم‌زمان شدن اجرای این طرح با فروپاشی شوروی بود که با گشایش بازارهای جدید در شرق اروپا، مهاجرت یهود روسیه به اسرائیل و افزایش نیروی کار و سازندگی همراه بود. روند مذاکرات صلح و امضای پیمان اوسلو نیز به افزایش تعاملات اقتصادی این رژیم و توسعه اقتصادی آن کمک نمود.

هم‌زمانی شروع انتفاضه مسجدالاقصی با بحران اقتصاد جهانی و سپس بحران املاک و مستغلات در ایالات متحده و اثرپذیری کشورها از آن به دلیل ارتباط اقتصاد بین‌الملل با اقتصاد آمریکا، رژیم صهیونیستی نیز دچار بحران گشت (شفیرتس و تصیدق، ۲۰۱۵/۳/۱۶). اما طبق برخی تحلیل‌ها، به نظر

می‌رسد بحران اقتصادی در این رژیم به دلیل دوری آن از تعاملات مجازی و خرید قروض، به صورت مستقیم از تحولات اقتصاد جهانی متاثر نشده بود، بلکه بحران مذکور بیشتر ناشی از کسری مبادلات تجاری و میزان صادرات و واردات آن نشأت گرفته بود. به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۲ میانگین واردات تجاری اسرائیل در هر ماه حدود پنج میلیارد دلار برآورد شده بود و در مقایسه با میزان صادرات (۳/۵ میلیارد دلار) رقمی بیش از ۱/۵ میلیارد دلار در ماه بیشتر است که در مجموع (۲۰۱۲) حدود ۲۱ میلیارد دلار و به عبارتی ۳۴٪ کسری موازنه تجاری از تولید ناخالص داخلی را به همراه داشت (جریس، ۲۰۱۴: ۱۶۴).

به‌رغم اینکه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۳ شاهد استقرار اقتصادی و میانگین رشد ۳/۳٪ بود (اُطرش، ۲۰۱۴: ۱۵۶)، اما بدون شک تبعات و هزینه‌های اقتصادی عملیات «الجرف الصامد» غزه در سال ۲۰۱۴ بر کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی و ارتفاع هزینه‌ها در بخش‌های گردشگری، صنایع و تجهیزات نظامی اثرگذار می‌باشد؛ به نحوی که منجر به ورود اقتصاد رژیم صهیونیستی به حالتی از رکود در آینده خواهد شد. هزینه‌های سنگین جنگ مخالفت چپ‌گراها را به همراه داشت. این احزاب که حداقل در ظاهر، خواستار صرف بودجه در مسائل اجتماعی و رفاهی هستند، هزینه‌های بالای ادامه جنگ را در مغایرت با رویکرد خود می‌دیدند و می‌دانستند که این هزینه‌ها باید به نحوی جبران شود. به اعتقاد آنها بودجه امور اجتماعی و رفاهی، قربانی هزینه‌های بالای امور نظامی و امنیتی خواهد شد (شحاده، ۲۰۱۵/۳/۲۳). گزارش صادره توسط انجمن «لت» و سازمان صهیونیستی «چتر» بر این مسئله تمرکز داشتند که بحران اجتماعی در رژیم صهیونیستی روز به روز در حال افزایش است. در گزارش آمده که میزان فقر، گرسنگی و بیماری در میان جامعه صهیونیستی رو به افزایش می‌باشد. گزارش تشریح کرد: هر سال، هزار کودک به منظور یافتن کار برای کمک به خانواده خود در تامین غذا مدرسه را ترک می‌کنند. همین گزارش اشاره می‌کند که حدود ۱۲ درصد از خانواده‌های نیازمند، فرزندان‌شان به خاطر بحران اقتصادی حاکم در رژیم صهیونیستی، گاهی اوقات، غذای خود را از دورن سطل‌های زباله یا از روی زمین برمی‌دارند؛ ۶۴٪ از خانواده‌های نیازمند قادر به تامین دارو برای کودکان‌شان نیستند. ۶۸٪ از این خانواده‌ها نیز به دلیل وخامت وضعیت اقتصادی در صدد تخلیه آپارتمان‌های خود هستند و ۶۲٪ از آنان نمی‌توانند مبلغ اجاره آپارتمان را حداقل برای یک ماه بپردازند. طبق این گزارش در سال ۲۰۱۴ حدود ۳۱٪ از مردم رژیم صهیونیستی در خط فقر به سر می‌بردند. همچنین ۷٪ قشر فقیر دست به خودکشی زدند و برخی از سالمندان نیز به دلیل عدم توانایی در خرید دارو جان خود را از دست

داده‌اند. در نهایت گزارش لت مدعی شد که عدم توانایی رژیم صهیونیستی در برقراری ثبات سیاسی و رشد اقتصادی، منجر به ایجاد وضعیتی گردید که طی هشت سال شاهد تشکیل چهار کابینه بوده‌ایم (سایین، ۲۰۱۴/۱۲/۱۱).

نظرسنجی‌ها همچنین حاکیست که به عقیده بسیاری از رای‌دهندگان، دولت راست‌گرایی که در شش سال گذشته اداره امور رژیم صهیونیستی را در دست داشته، مسئول وضعیت کنونی است. البته این دیدگاه بی‌راه هم نبوده چرا که در کابینه ائتلافی نتانیاها، وزارت مسکن رژیم صهیونیستی در اختیار «اوری آریل» از حزب راست افراطی «خانه یهودی» قرار گرفت که به گفته منتقدانش به شهرک‌سازی در کرانه باختری بیشتر از رفع مشکل مسکن در داخل اراضی اشغالی علاقه داشت. در حالی که راست‌گرایان اسرائیلی به رهبری نتانیاها بر مسائل امنیتی و ضرورت کنترل اوضاع حتی زیر فشار بین‌المللی متمرکز شده‌اند، رقبای او به‌ویژه رقیب اصلی لیکود یعنی «اردوگاه صهیونیسم» که متشکل از دو حزب «کار» و «هاتنوعا» است، روی مسائل اجتماعی و اقتصادی طبقه متوسط جامعه تمرکز کرده‌اند که این زیرکانه‌ترین روش احزاب مخالف با لیکود برای تحت تاثیر قرار دادن نتایج انتخابات پارلمانی به شمار می‌آید؛ چرا که طبق نظرسنجی‌های اخیر، امسال نیز مانند انتخابات ۲۰۱۳، اکثر رای‌دهندگان دغدغه اقتصادی دارند و بیش از هر چیز نگران افزایش بی‌سابقه بهای مسکن و اجاره‌خانه هستند تا اینکه بخواهند به بن‌بست روند صلح با فلسطینی‌ها یا هشدارهای بنیامین نتانیاها درباره برنامه اتمی ایران فکر کنند. در واقع، حزب کار که بخشی از «اتحادیه صهیونیسم» است اکنون فرصت را مناسب دیده تا بار دیگر به عرصه سیاسی راه یابد. این حزب که قدیمی‌ترین حزب سیاسی فعال در اسرائیل است، تا ده سال بعد از تاسیس، حزب حاکم بود اما ستاره بخت این حزب چپ میانه از اواسط دهه ۱۹۹۰ رو به افول گذاشت. آخرین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از حزب کار به سال ۲۰۰۱ بر می‌گردد و از آن زمان تا کنون این حزب هشت رهبر عوض کرده است. از این رو است اتحادیه صهیونیسم که رقیب اصلی بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل در انتخابات پارلمانی است، برنامه خود را که بر محور مسائل اقتصادی، اجتماعی و روابط با آمریکا متمرکز شده، ارائه کرد (فابل، ۲۰۱۵/۴/۶).

دو حزب صهیونیستی خود را به‌عنوان احزاب مرکز معرفی کرده‌اند: حزب «آینده» به ریاست یائیر لابید و حزب «همه ما» به ریاست موشه کحلون. حزب لابید در این انتخابات ۱۱ کرسی را تصاحب کرد و در انتخابات ۲۰۱۳ با ۱۹ کرسی به یکی از مهم‌ترین احزاب اسرائیلی تبدیل گشت. نتایج شمارش بیش از ۹۹.۸٪ آرا تایید کرد که احزاب دست راستی و افراطی توانسته‌اند بین ۶۰ تا ۶۱ کرسی کنست و

احزاب چپ و میانه بین ۵۹ تا ۶۰ کرسی را در انتخابات نوزدهم کنست (پارلمان) از آن خود کنند. این نتایج نتایهو را در برابر یک چالش عظیم از حیث توانایی در تشکیل حکومت با حضور فقط احزاب دست راستی قرار داد زیرا تشکیل یک حکومت یکدست با حضور احزاب افراطی و دست راستی در واقع یک حکومت بسیار شکننده و در عین حال در آستانه سقوطی دوباره خواهد بود (موقع ماکو، ۲۰۱۵/۴/۱۱). بر این اساس نتایهو چاره‌ای جز دعوت از لپید و حزیش برای مشارکت در کابینه آتی اسرائیل را ندارد. معنای این اجبار آن است که نخست‌وزیر نتایهو باید در بسیاری از موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کند. حزب همه ما هم توانست ده کرسی را به خود اختصاص دهد. موشه کحلون که از رهبران برجسته لیکود بود، با این شعار در انتخابات شرکت کرده بود که قصد دارد سمت وزارت دارایی را در اختیار بگیرد و این مسئله را هم شرط مشارکت در هر گونه کابینه جدید عنوان کرده بود، اما قبل از انتخابات از تشکیل دولت توسط هیچ فردی حمایت نکرد که این تصمیم نوعی زرنگی از سوی وی بود، چرا که نتایهو سعی داشت با اعلام این مسئله که صرف نظر از تعداد کرسی‌های کسب شده از سوی حزب کحلون، سمت وزارت دارایی دولت خود را به وی واگذار خواهد کرد، سعی در تصاحب کرسی‌های این حزب را داشت و در عین حال می‌خواست طرفداران حزب همه ما را به جبهه طرفداران لیکود بازگرداند؛ چرا که -طبق ادعای وی- کحلون در هر شرایطی سمت وزارت دارایی را بر عهده خواهد گرفت. اما با این وجود، کحلون بر موضع خود پافشاری کرد و در مرحله قبل از انتخابات، از تشکیل دولت توسط نتایهو حمایت نکرد تا به نوعی کرسی‌های حزب خود را حفظ کند و به طرفداران حزیش اعلام کند که نتایهو تنها در راستای یک بازی انتخاباتی این وعده را داده است. حزب کحلون بیشترین آراء را در وسط فلسطین اشغالی و از طریق راست‌گرایان کسب کرد؛ به طوری که توانست برخی کرسی‌های حزب لاپید را به نفع خود تغییر دهد و برخی کرسی‌های دیگر را هم از طبقات اجتماعی متوسط کسب کند. کحلون چنین وانمود می‌کرد که بر عکس لاپید که در وزارت دارایی شکست خورد و نتوانست به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند، وی وزیر دارایی اجتماعی و موفقی خواهد بود. به این ترتیب، تبلیغات انتخاباتی حزب کحلون بیشتر علیه حزب لاپید تدوین شده بود، چرا که کحلون می‌دانست که طرفداران لاپید در انتخابات سال ۲۰۱۳ که باعث کسب ۱۹ کرسی کنست توسط حزب وی شدند، از طبقه متوسط دارای گرایش‌های راست‌گرایانه هستند.

اردوگاه صهیونیسم ائتلاف انتخاباتی میان حزب کار به ریاست اسحاق هرتسوگ و حزب جنبش به

ریاست زیپی لیونی بود. حزب لیونی که در دولت قبلی نتانیا هو کرسی وزارت دادگستری را در اختیار داشت و به دستور نتانیا هو قبل از اعلام انحلال دولت و کنست به همراه یائیر لابید وزیر دارایی از سمتش برکنار شد، در انتخابات سال ۲۰۱۳ کنست تنها شش کرسی را تصاحب کرده بود و حزب کار نیز ۱۵ کرسی را کسب کرده بود. این دو حزب در انتخابات اخیر کنست قصد داشتند با تشکیل ائتلاف یکپارچه بر حزب لیکود پیروز شوند. آنها در واکنش به تبلیغات منفی لیکود علیه حزب کار مبنی بر اینکه این حزب رویکردهای پسا صهیونیستی و حتی ضد صهیونیستی دارد، نام اردوگاه صهیونیسم را برای ائتلاف خود انتخاب کردند و توافق کردند که در صورت تشکیل دولت آتی توسط این ائتلاف به صورت نوبتی سمت نخست‌وزیری آن را در اختیار بگیرند. نظرسنجی‌های برگزار شده در زمان رقابت انتخاباتی حاکی از کسب ۲۴ کرسی کنست توسط اردوگاه صهیونیسم بود که این پیش‌بینی‌ها در انتخابات نیز درست از آب درآمد. اما مشکل اصلی این فهرست یکپارچه ناتوانی در افزایش تعداد کرسی‌ها در طول دوره تبلیغات انتخاباتی سه ماهه بود؛ به طوری که قدرت انتخاباتی آن همچنان ثابت بود و این حزب نتوانست پیشرفت ملموسی در محافل اجتماعی جدید داشته باشد. با وجود اینکه لیونی در تلاش برای افزایش شانس پیروزی ائتلاف اردوگاه صهیونیستی، در ادامه راه از تصدی نوبتی سمت نخست‌وزیری چشم‌پوشی کرد و هرتسوک تنها نامزد تشکیل دولت شد، اما این کار نیز نتوانست باعث افزایش تعداد کرسی‌های حزب مذکور شود. اردوگاه صهیونیستی بیشتر آراء خود را از میان اقشار پر درآمد و یا طبقه متوسط رو به بالا کسب کرد و در دو شهر بزرگ تل‌آویو و حیفا بر حزب لیکود پیروز شد، ولی در شهرک‌هایی که جمعیت آنها را طبقه متوسط رو به پایین تشکیل می‌دادند، نتوانست توفیق چندانی کسب کند. این حزب در تبلیغات انتخاباتی خود بیشتر بر روی مسائل اجتماعی و اقتصادی تاکید داشت و مسائل اقتصادی، اشغالگری و صلح با فلسطینیان را نادیده گرفت. در مقابل، حزب میرتس تبلیغات انتخاباتی خود را بیشتر بر روی مسائلی مانند برابری اقتصادی، عدالت اجتماعی و تا حدودی منازعه فلسطینی - صهیونیستی متمرکز کرده بود و در نهایت توانست پنج کرسی را تصاحب کند که در مقایسه با انتخابات سال ۲۰۱۳ یک کرسی کمتر کسب کرده بود. به نظر می‌رسد که این یک کرسی کمتر حزب میرتس به ائتلاف اردوگاه صهیونیستی اختصاص یافته بود، چرا که صهیونیست‌های چپ‌گرا معتقد بودند افزایش قدرت این حزب می‌تواند امیدهای آن برای تشکیل دولت را افزایش دهد (هلر، ۲۰۱۵/۳/۲۵).

۲-۲. مسئله فلسطین و دسترسی به امنیت

طبق نظرسنجی موسسه پژوهش‌های دموکراتیک اسرائیل، حدود ۶۰٪ از رای‌دهندگان معتقد هستند که ترکیب حکومت آتی در رژیم صهیونیستی تأثیری بر سیاست‌های مربوط به مذاکرات سازش با فلسطین نخواهد داشت، همچنین نظرسنجی فاکس نشان می‌دهد که فقط ۹٪ از انتخاب‌کنندگان به روند صلح با فلسطین اهمیت می‌دهند. این مسئله بیشتر ناشی از عدم احساس رای‌دهنده اسرائیلی برای دستیابی به راه‌حل نهایی با فلسطین در سایه تحولات جهان عرب و فرصت‌های راهبردی آن برای این رژیم رقم خورده است (شنهاف، ۲۰۱۵: ۵۶). دسترسی به امنیت نیز یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر رفتار انتخاباتی در رژیم صهیونیستی است؛ به گونه‌ای که در نظرسنجی موسسه پژوهش‌های دموکراتیک اسرائیل حدود ۴۲٪ به مسئله امنیت و ۴۷٪ نیز راهبردهای حزب کار و لیکود در چارچوب صلح و امنیت را در اولویت انتخاب خود قرار داده‌اند. این در حالی است که در نظرسنجی فاکس و روزنامه هآرتص، مسائل امنیتی به ترتیب ۲۴٪ و ۲۸٪ را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن، عکیفا الدار در پژوهشی که با استناد به دو نظرسنجی - قبل و بعد از جنگ غزه و عملیات مقاومت در سال ۲۰۱۴ - انجام داده، به این نتیجه رسیده که هرچه امنیت مرزهای رژیم صهیونیستی به واسطه عملیات مقاومت در معرض تهدید قرار می‌گیرد، میزان تمایل رای‌دهی به احزاب راست‌گرا نیز افزایش می‌یابد (Eldar, 2015/3/26). نظرسنجی فاکس نیز این فرضیه را تقویت می‌کند؛ بر اساس این نظرسنجی حدود ۳۹٪ از افراد نتانیاهاو را به‌عنوان شخص مورد نظر خود برای حفظ امنیت انتخاب کرده و پس از آن نیز هرتسوغ با ۲۲٪ در رتبه دوم قرار گرفته است (ریم، ۲۰۱۵/۲/۱۵).

حزب لیکود به منظور تقویت قدرت انتخاباتی خود در کنست پا به میدان انتخابات زود هنگام گذاشت. این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۳ کنست صهیونیستی ۱۹ کرسی را تصاحب کرده بود و مجموع آرای آن و حزب «اسرائیل خانه ما» به ریاست اویگدور لیبرمن که با هم ائتلاف تشکیل داده بودند، به ۳۱ کرسی رسیده بود. به این ترتیب، ائتلاف لیکود - اسرائیل خانه ما با وجود اینکه حزب اصلی ائتلاف دولتی بودند، اما در موضع ضعف قرار داشتند. لیکود تلاش کرد در جریان رقابت‌های انتخاباتی تمامی اذهان را متوجه مسائل امنیتی و خطرات پیش روی رژیم صهیونیستی در منطقه کند و توجه آنها را از مسائل اقتصادی و اجتماعی منحرف کند؛ تا جایی که این حزب برنامه انتخاباتی ارائه نداد و مواضع مبهمی در قبال مسائل مذکور اتخاذ کرد. از سوی دیگر، تعداد زیادی از شخصیت‌های رسانه‌ای، نظامی، امنیتی و ادبی رژیم صهیونیستی برای براندازی نتانیاهاو هم قسم شده بودند و ۲۰۰ شخصیت امنیتی و

نظامی برجسته این رژیم طوماری را امضا کردند که در آن نسبت به خطرات امنیتی پیش روی رژیم صهیونیستی در صورت انتخاب مجدد نتانیاهو به سمت نخست‌وزیری هشدار داده شده بودند. در همین حال، ناظر دولت صهیونیستی هم با انتشار دو گزارش مربوط به هزینه‌های منزل نخست‌وزیر و گزارش مربوط به بحران مسکن در اسرائیل، به نتانیاهو ضربه زد. این گزارش‌ها با انگیزه‌های سیاسی منتشر نشدند، اما زمان انتشار آنها به صورت تصادفی با رقابت‌های انتخاباتی کنست صهیونیستی هم‌زمان شد. این دو گزارش علیه نتانیاهو و دولت وی تهیه شده بود. با این وجود، لیکود بر خلاف نظرسنجی‌های زمان رقابت‌های انتخاباتی که پیش‌بینی تصاحب ۲۲ الی ۲۴ کرسی از سوی آن را کرده بودند، توانست پیروزی چشم‌گیری در انتخابات کنست کسب کند (موقع القناه الثانيه العبريه، ۲۰۱۵/۲/۱۳).

در این انتخابات کرسی‌های احزاب راست‌گرا و به‌ویژه حزب خانه یهودی از ۱۲ کرسی به هشت کرسی و سهم حزب «اسرائیل خانه ما» به ریاست اویگدور لیبرمن (وزیر خارجه سابق این رژیم) از ۱۲ کرسی به شش کرسی کاهش یافت و همه این کرسی‌های از دست رفته به حزب لیکود منتقل شد. دلیل اصلی کاهش آرای حزب خانه یهودی، سیاست‌های نفتالی بنت رئیس آن بود که به این حزب بیشتر به چشم یک شرکت اقتصادی نگاه می‌کرد و می‌خواست خیلی زود آن را تغییر دهد، اما این واقعیت را درک نکرده بود که پایگاه اجتماعی این حزب را صهیونیست‌های مذهبی تشکیل می‌دهند که بر لزوم حفظ هویت مذهبی حزب‌شان تاکید دارند. علاوه بر این، اظهارات نتانیاهو درباره کشور فلسطین باعث تضعیف حزبی شد که به صهیونیست‌های راست‌گرا اعلام می‌کرد جنبه راست‌گرایی لیکود را حفظ خواهد کرد و مانع از امتیازدهی و چشم‌پوشی آن از بخش‌هایی از «اراضی تحت اشغال اسرائیل» خواهد شد، اما با موضع‌گیری منفی نتانیاهو در قبال مسئله تشکیل کشور فلسطین، خانه یهودی آرای خود را از دست داد و این آرا به حساب حزب لیکود منتقل شد. از سوی دیگر، صهیونیست‌های راست‌گرا از طرح بنت برای الحاق برخی اراضی مناطق «ج» به اراضی تحت اشغال رژیم صهیونیستی و اعطای عنوان «شهروندی» به ۷۰ هزار فلسطینی حمایت نکردند؛ چرا که آنها خواهان تداوم وضعیت کنونی مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ فلسطین هستند که ساکنان آن از حقوقشان برخوردار نیستند و این همان کاری است که لیکود الان انجام می‌دهد (دلال، ۲۰۱۵: ۱۲۱).

۲-۳. رویکرد مذهبی - قومیتی احزاب

نظرسنجی موسسه پژوهش‌های دموکراتیک اسرائیل نشان می‌دهد که حدود ۵۱٪ افراد انتخاب خود را بر اساس رویکرد دینی و مذهبی‌شان انجام می‌دهند، در حالی که فاکس در نظرسنجی خود به کاهش

اهتمام افراد نسبت به مسائل مذهبی و ارتباط دین با دولت در انتخابات کنست بیستم اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که تنها ۹٪ گرایشات مذهبی در این انتخابات (کنست بیستم) داشته‌اند. به‌رغم اینکه آمار مبنی بر نقش خواستگاه قومی افراد رای‌دهنده در انتخابات اسرائیل موجود نیست، بدون شک یکی از عوامل دیگر اثرگذار بر رفتار انتخاباتی است. یهودی‌ها از دو فرقه متفاوت اشکنازی‌ها یا یهودیان غربی و سفاردیم یا یهودیان شرقی تشکیل شده است. اشکنازی‌ها شامل یهودیان اروپایی و آمریکایی است که به‌عنوان مؤسس و پایه‌گذاران رژیم بر تصمیمات کلان سیاسی و پست‌های حساس سیطره کامل داشته و این مسئله منجر به حساسیت یهودیان شرقی در نتایج انتخابات گردیده است (جلادی، ۲۰۱۴: ۷۷). از سوی دیگر اعراب ساکن در اسرائیل نیز نسبت به سیاست‌های افراطی احزاب راست‌گرا حساسیت نشان داده و در گزینش انتخاباتی خود مدنظر قرار می‌دهند (قومش، ۲۰۱۵: ۱۷).

در انتخابات کنست بیستم صهیونیستی دو حزب مذهبی مشارکت داشتند: یکی حزب یهودیان توراتی که جنبش مذهبی ارتدوکسی غیر صهیونیستی است و از حمایت صهیونیست‌های مذهبی ارتدوکسی اشکنازی به‌ویژه در قدس برخوردار است و با توجه به ثابت بودن پایگاه اجتماعی‌اش، همواره در انتخابات آرای ثابتی دارد و طرفداران آن به خاطر مسائل صرفاً مذهبی به این حزب رای می‌دهند. افزایش طبیعی جمعیت طرفداران این حزب باعث افزایش آرای آن در انتخابات شده و حامیان این حزب بیشتر در شهرهای محل سکونت یهودیان مذهبی ارتدوکسی اشکنازی مانند قدس، مودیعین و بیت شیمش حضور دارند و حزب یهودیان توراتی به خاطر ماهیت مذهبی ارتدوکسی خود بیشتر آرای خود را در این شهرها کسب می‌کند. این حزب در مقایسه با حزب مذهبی یهودیان شرقی «شاس» کمتر رنگ و بوی صهیونیستی به خود گرفته و مانند سه دوره قبلی کنست شش کرسی را تصاحب کرد (اودی، ۲۰۱۵/۳/۳).

اما حزب ارتدوکسی شاس که در اوایل دهه ۸۰ تاسیس شد، جنبش مذهبی است و رهبری آن را شخصیت‌های مذهبی بر عهده دارند که اصالتاً اهل کشورهای مشرق زمین هستند. این حزب تأکید زیادی بر سیاست‌های هویتی در میان یهودیان شرقی دارد و اکثر طرفداران آن را یهودیان مذهبی ارتدوکسی دارای اصالت شرقی (مشرق زمین) یا یهودیان شرقی عضو طبقه ضعیف اقتصادی تشکیل می‌دهند. این حزب بر خلاف یهودیان توراتی پایگاه اجتماعی ثابتی ندارد و رقابت سختی با حزب لیکود برای کسب آرای طبقه ضعیف یهودیان شرقی دارد و تلاش می‌کند با استفاده از سیاست‌های هویتی با لیکود که رهبری آن را یهودیان اشکنازی در دست دارند، مقابله کند. این حزب به شدت رنگ

و بوی صهیونیستی به خود گرفته و در مسائل سیاسی و امنیتی در ردیف احزاب راست‌گرا قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که خیلی سخت می‌توان ادعا کرد این حزب یک جنبش مذهبی ارتدوکسی غیر صهیونیستی است (ماجد، ۲۰۱۴: ۳۳). حزب شاس در دوره بیستم انتخابات کنست در پی مرگ خاخام عوفادیا یوسف بنیان‌گذار و رهبر معنوی این حزب که حافظ وحدت آن بود، با بحران بزرگی مواجه شد و در آستانه انتخابات، «ایلی یشای» که در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳ ریاست این حزب را بر عهده داشت، به خاطر اختلافات داخلی با «آریه درعی» رئیس کنونی شاس از آن جدا شد. البته درعی قبل از یشای رئیس شاس بود، اما به خاطر فساد مالی راهی زندان شد و وقتی در سال ۲۰۱۳ دوباره ریاست شاس را بر عهده گرفت، اختلافاتی میان وی و یشای بروز کرد که حضور عوفادیا یوسف در آن زمان مانع از برهم خوردن وحدت شاس شد. جدایی یشای و تاسیس حزب جدید «ملت با ماست» از سوی وی تاثیر زیادی بر روی آرای این حزب در انتخابات اخیر گذاشت و شاس تنها توانست هفت کرسی کنست را در اختیار بگیرد که نشانگر کاهش شدید محبوبیت آن است. این مسئله باعث انتقال ده‌ها هزار مورد از آرای آن به لیکود و یا حزب یشای شد که نتوانست حد نصاب لازم برای ورود به کنست را کسب کند (سنجر، ۲۰۱۴/۳/۱۲).

نتانياهو در سه روز پایانی رقابت‌های تبلیغاتی توانست این رقابت را به نفع خود رقم بزند و برای این منظور راهبرد انتخاباتی «قطع ارتباط با رسانه‌های گروهی» را کنار گذاشت و با انجام ده‌ها مورد مصاحبه با رسانه‌های گروهی صهیونیستی موافقت کرد، اما دو عامل اصلی تغییر وضعیت انتخاباتی لیکود را می‌توان چنین تشریح کرد: عامل نخست؛ اعلام مخالفت نتانياهو با تشکیل کشور فلسطین که به این ترتیب به حزب «خانه یهودی» ضربه زد؛ چرا که این حزب مدعی بود که تنها حزب صهیونیستی است که با تشکیل کشور فلسطین مخالف است. این موضع نتانياهو باعث انتقال آرای طرفداران حزب خانه یهودی به لیکود و کسب چهار کرسی بیشتر از سوی آن شد. عامل دوم، اظهارات نتانياهو در روز انتخابات بود؛ به طوری که با اظهارات خود درباره حضور گسترده عرب‌های ساکن اراضی اشغالی سال ۴۸ در پای صندوق‌های رای که خطری برای تداوم حاکمیت حزب لیکود بود، توانست آن دسته از صهیونیست‌های راست‌گرا را که علاقه‌ای به شرکت در انتخابات نداشتند به پای صندوق‌های رای بکشاند؛ چرا که این اظهارات نژادپرستانه و دروغین نتانياهو باعث تحریک صهیونیست‌های راست‌گرای خشمگین یا معترض شد که تصمیم به عدم مشارکت در انتخابات گرفته بودند، اما تحت تاثیر اظهارات نتانياهو از موضع خود صرف نظر کرده و به حزب لیکود رای دادند. این رفتار نتانياهو کاملاً مبتنی بر

مسائل قبیله‌ای بود و رقابت‌های دوره اخیر انتخابات کنست صهیونیستی یادآور انتخابات سال ۱۹۸۱ رژیم صهیونیستی بود که جبهه‌بندی‌های طایفه‌ای میان یهودیان شرقی و اشکنازی‌ها (یهودیان اروپایی) ویژگی بارز آن بود (شاحک، ۲۰۱۵: ۷۹).

فهرست یکپارچه احزاب عربی در انتخابات اخیر کنست صهیونیستی توانست ۱۳ کرسی را کسب کند. این حزب در واقع یک ائتلاف انتخاباتی میان فراکسیون‌های انتخاباتی عربی بود که از دو دهه قبل در انتخابات کنست شرکت می‌کنند. این فراکسیون‌ها عبارت هستند از: جبهه دموکراتیک صلح و برابری، جمعیت ملی دموکراتیک، جنبش اسلامی و جنبش تحول‌خواه عربی. این احزاب عربی در انتخابات سال ۲۰۱۳ کنست در کل ۱۱ کرسی را تصاحب کرده بودند که با تشکیل ائتلاف یکپارچه در انتخابات اخیر توانستند کرسی‌های خود را به عدد ۱۳ برسانند. هدف از تشکیل این ائتلاف افزایش حد نصاب آراء برای ورود به کنست به ۳.۲۵ درصد و نیز نگرانی احزاب عربی از افزایش میزان تحریم انتخابات و خودداری عرب‌های ساکن اراضی اشغالی سال ۴۸ از مشارکت در انتخابات در صورت عدم ارائه فهرست یکپارچه از سوی احزاب عربی بود. میزان مشارکت عرب‌ها از ۵۳ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۶۳ درصد در انتخابات اخیر رسید و فهرست یکپارچه احزاب عربی توانست نزدیک به ۸۰ درصد از آرای صحیح عرب‌ها را به خود اختصاص دهد (شنهاف، ۲۰۱۵: ۵۰).

۳. کنست بیستم: ویژگی‌ها و چشم‌انداز

نتایج بیستمین دوره انتخابات کنست صهیونیستی، از لحاظ ساختاری مرحله جدیدی را در عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی رقم زد که همان مرحله حزب غالب بر عرصه سیاسی است و این حزب همان حزب لیکود است. این مسئله دلایل متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به پایان عصر پراگماتیسم در سیاست صهیونیستی و یا همان پراگماتیسم داخلی اشاره کرد که باعث تشکیل ائتلاف در مرحله قبل از انتخابات و مشارکت احزاب در ائتلاف‌های دولتی تشکیل شده پس از انتخابات می‌شد. این مسئله در مقایسه با دوره‌های قبلی انتخابات کاهش پیدا کرده است؛ به‌عنوان مثال، در گذشته حزب سابق صهیونیست‌های مذهبی و حزب مذهبی‌های ملی‌گرا «مفدال» حاضر به مشارکت در ائتلاف‌های دولتی با احزاب چپ‌گرا بود، اما امروز حزب صهیونیست‌های مذهبی «خانه یهودی» حاضر به انجام چنین کاری نیست. این مسئله ناشی از جناح‌بندی‌های ایدئولوژیک نه تنها در سطح احزاب، بلکه همچنین در سطح پایگاه‌های اجتماعی احزاب است که در مرحله پس از امضای توافقنامه اسلو و شکل‌گیری انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰ در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند و دیگر با هم ادغام

نمی‌شوند؛ چرا که قبلاً مرزهای خود را مشخص کرده‌اند. این پدیده به خوبی در جریان تبلیغات انتخاباتی جریان‌های سیاسی مشخص بود و تنها به داخل آنها محدود می‌شد.

مقایسه نتایج نهایی انتخابات کنست صهیونیستی با نتایج نظرسنجی‌های مکرر طی دو ماه قبل از انتخابات نشان می‌دهد که حزب لیکود به قیمت کاهش آرای احزاب راست‌گرا و افزایش میزان مشارکت صهیونیست‌های راست‌گرا در انتخابات موفق به کسب ۳۰ کرسی شد و نه انتقال آرای صهیونیست‌های چپ‌گرا به راست‌گرایان. مقایسه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۳ جریان راست‌گرا با نتایج انتخابات اخیر (لیکود، خانه یهودی و اسرائیل خانه ما) نشان می‌دهد که سهم آنها از ۴۳ کرسی در کنست در سال ۲۰۱۳ به تنها ۴۴ کرسی افزایش یافته است. تنها تفاوت در این مسئله این است که حزب حاکم لیکود به تنهایی در انتخابات اخیر توانسته است ۳۰ کرسی را تصاحب کند و این در حالی است که در انتخابات قبلی در قالب ائتلاف مشترک با حزب اسرائیل خانه ما به ریاست لیبرمن موفق به کسب ۳۱ کرسی شده بود. لیکود با کسب این میزان کرسی کنست بر اساس عرف سیاسی رژیم صهیونیستی می‌تواند دولت جدید را تشکیل دهد (سراج، ۲۰۱۵: ۹۲).

این مرحله جدید ساختاری در جریان تبلیغات انتخاباتی در قالب تعابیر مختلف خود را نشان داد، اما مهم‌ترین مسئله این بود که تشکیل دولت در مرحله قبل از برگزاری انتخابات و به‌ویژه در داخل جریان راست صورت گرفت؛ به طوری که پایگاه‌های اجتماعی هر جریان از لحاظ ایدئولوژی، سیاست و حتی طبقاتی نزدیک به یکدیگر هستند و هر کدام از احزاب در داخل یک جریان تلاش می‌کنند که این طبقات اجتماعی را به سمت خود بکشند و برای رسیدن به این هدف خود به تاکتیک‌های مختلف انتخاباتی و سیاسی متوسل می‌شوند. به‌عنوان مثال، احزاب راست‌گرا این سیاست را در پیش گرفته بودند که قبل از انتخابات اعلام کردند نتانیاها را به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری به رئیس رژیم صهیونیستی معرفی خواهند کرد. هدف آنها از اتخاذ چنین سیاستی این است که طرفداران حزب لیکود را به سمت خود بکشند و به آنها اطمینان دهند که حتی اگر به احزاب راست‌گرایی غیر از لیکود هم رای دهند، در نهایت نتانیاها نخست‌وزیر خواهد شد؛ چرا که احزاب مذکور وی را به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری به رئیس رژیم صهیونیستی معرفی خواهند کرد. از دیگر ویژگی‌های مرحله کنونی، ثابت بودن پایگاه‌های اجتماعی جریان‌های حزبی در اسرائیل و محدود شدن تحرکات آنها به داخل جریان‌هایشان است. این در حالی است که در دهه‌های گذشته و در سایه نظام دو حزبی که تا سال ۱۹۹۲ بر عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی سایه افکنده بود، آراء میان دو حزب رد و بدل می‌شدند (علاء، ۲۰۱۵/۲/۱۳).

اما سلطه جریان راست‌گرا بر عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی تنها ناشی از تشکیل دولت توسط دو حزب لیکود و کادیمما به ریاست آریل شارون از سال ۲۰۰۱ تا کنون نیست، بلکه حزب نتانیاهو به صورت جدی سعی در تغییر عرصه سیاسی اسرائیل را دارد و برای این منظور می‌خواهد تغییراتی را در دیوان عالی عدالت، نهادهای دانشگاهی، اعمال محدودیت در جامعه مدنی، تعریف مفاهیم ملی و صهیونیستی بر اساس رویکردهای جدید (اصلاح شده) و سلب مشروعیت از مفاهیمی مانند چپ‌گرایی، حقوق بشر و غیره ایجاد کند. دولتی که قرار است بنیامین نتانیاهو تشکیل دهد، دولت راست‌گرا خواهد بود و حتی موشه کحلون هم راست‌گرا است و مواضع راست‌گرایانه در قبال مسئله فلسطین اتخاذ می‌کند. این دولت راست‌گرا اگر در عرصه سیاسی دست به اقدام جدیدی برای دستیابی به توافق صلح با فلسطینیان نزند و منازعه فلسطینی - صهیونیستی را در همان چارچوب وضعیت موجود مدیریت کند، می‌تواند تا مدت‌های طولانی به حیات خود ادامه دهد و شاید عمر آن به بیش از عمر دو ساله دولت‌های قبلی برسد و با حفظ وضعیت موجود بتواند به تمامی سوال‌های شرکای خود پاسخ دهد، بدون اینکه مسئله برد و باخت هر یک از آنها در برابر دیگری مطرح باشد. اما وضعیت بین‌المللی نقش اساسی در اعمال فشار علیه دولت نتانیاهو در این زمینه ایفا خواهد کرد؛ هر چند که نتانیاهو نیز تجربه زیادی در زمینه مقابله با این فشارهای بین‌المللی دارد و توانسته است به مدت شش سال در سمت نخست‌وزیری با این فشارها مقابله کند؛ به‌ویژه که اوضاع منطقه‌ای و سرگرم بودن کشورهای عربی به بحران‌های داخلی خود نیز به نفع وی و گفتمان سیاسی‌اش است (توکر، ۲۰۱۵/۲/۲۲).

در مقابل هم به نظر می‌رسد احزاب چپ و میانه‌ای چون «آینده» به رهبری لیپید، جنبش به رهبری زیبی لیونی، کار به رهبری شیلی یحیی موویچ و مرتس به رهبری زهافا غلثون فرصتی برای تشکیل یک حکومت یکدست متشکل از احزاب چپی را هم نداشته باشند؛ چرا که هر گونه حکومتی از سوی آنان مستلزم مشارکت یکی از احزاب تندرویی همچون شاس (که به اصطلاح جزو احزاب مذهبی صهیونیست محسوب می‌شود) خواهد بود. تقریباً جمع بین نقیضین محال است، چون احزاب چپ میانه جزو احزاب لاییک در اسرائیل به حساب می‌آیند و حزب شاس جزو احزاب به اصطلاح مذهبی است. از سوی دیگر اعتماد بر احزاب عربی که در انتخابات اخیر ۱۳ کرسی را از آن خود کرده‌اند نیز در سیاست‌های نژادپرستی احزاب صهیونیستی تقریباً محال است؛ یعنی احزاب صهیونیستی هیچ‌گاه با احزاب عربی در کنست ائتلاف نکرده‌اند؛ چرا که احزاب عربی راهبرد دولت صرفاً یهودی را به کل قبول ندارند. بنابراین، هر گونه ائتلافی که نتانیاهو قصد تشکیلش را داشته باشد، جمع بین نقایض بسیار

بزرگی است که قدرت وی را در اتخاذ تصمیمات کلان و همچنین ماندن به عنوان نخست وزیر تهدید خواهد کرد.

	۲۰۱۳		۲۰۰۹		۲۰۰۶		
	کرسی‌ها	درصد آرا	کرسی‌ها	درصد آرا	کرسی‌ها	درصد آرا	
لیکود	۳۰	۲۳.۳	۲۷	۲۱.۶	۱۲	۹	
کادیم	-	۲	۲۸	۲۲.۵	۲۹	۲۲	
کار	۲۴	۱۱.۳	۱۳	۹.۹	۱۹	۱۵.۱	
آینده	۱۱	۱۴.۳	-	-	-	-	
شاس	۷	۸.۷	۱۱	۸.۵	۱۲	۹.۵	
یهودیان توراتی	۶	۵.۱	۵	۴.۴	۶	۴.۷	
اسرائیل خانه ما	۶	ائتلاف با لیکود		۱۵	۱۱.۷	۱۱	۹
میرتس	۵	۶	۴.۵	۳	۳	۵	۳.۸
مفدال-خانه یهودی	۸	۱۲	۹.۱	۳	۲.۹	۹	۷.۱
اتحاد ملی	-	ائتلاف در خانه یهودی		۴	۳.۳	-	-
حزب بازنشستگان	-	----			۷	۵.۹	
حزب جنبش	ائتلاف با حزب کار		۶	۴.۹	----		
تجمع ملی دموکراتیک		۳	۲.۵	۳	۲.۵	۳	۲.۳
جبهه دموکراتیک	کسب ۱۳ کرسی در قالب فهرست یکپارچه	۴	۲.۹	۴	۳.۳	۳	۲.۷
فهرست یکپارچه عربی		۴	۳.۶	۴	۳.۴	۴	۳

نتیجه

گزینش انتخاباتی در رژیم صهیونیستی تابعی از عوامل اقتصادی - اجتماعی، مسائل قومی - مذهبی، امنیت و مذاکرات سازش با فلسطین و رویکرد احزاب نسبت به آن و نیز شخصیت رهبران احزاب در تعامل با این مقولات است زیرا، رای هر فرد در نتیجه فرایندی است که مقتضیات زمان و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و محیطی بخشی از آن محسوب می‌شود. از این دیدگاه فرایند جامعه‌پذیری اختصاص به دوران کودکی ندارد و در هر دوره از زندگی از سر گرفته می‌شود. هر فرد در جامعه متعلق

به گروه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی است که مجموعه‌ای از تاثرات فرد از این گروه‌ها گرایش سیاسی وی را شکل می‌دهد. به نظر نویسنده متن رفتار رای‌دهی متأثر از موقعیت‌های عینی همچون: سن، جنس، درآمد، وطن، خواستگاه اجتماعی و محل تولد به علاوه موقعیت‌های پیشین که ذهنی است مثل هویت مذهبی، آگاهی اجتماعی و ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی است مانند راست و چپ، موضوعات مختلف اقتصادی اجتماعی و ترجیح احزاب مختلف مجموعاً در غالب تقاضا (درون‌داد سیستم) ظاهر می‌شوند، می‌باشد. علاوه بر این، رای‌دهندگان در درون نظامی قرار دارند که راهبردهای انتخاباتی مانند اوضاع و احوال حاکم بر انتخابات مثل تبلیغات، نظام انتخاباتی، وضعیت نامزد و حزب آن و همچنین مسائل زمانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر آن تاثیر دارد. برون‌داد این سیستم که به صورت رفتار رای‌دهندگان تجلی پیدا می‌کند، از عوامل یاد شده تاثیر پذیرفته است. نتیجه اینکه در روندی عقلانی، گرایش‌ها و ظرفیت‌های بالقوه رای‌دهندگان با توجه به شرایط خاص انتخابات به فعلیت می‌رسد.

طبق نظرسنجی‌های صورت گرفته در دوره‌های قبل و بعد از انتخابات کنست بیستم، مسائل اقتصادی و امنیت به ترتیب در جایگاه اول و دوم اهمیت انتخاب‌کنندگان قرار گرفته‌اند. این مسئله را در مناظرات انتخاباتی که بین ۸ رهبر حزبی رژیم صهیونیستی صورت گرفت نیز بارز بود. از میان این احزاب دو حزب لیکود و اردوگاه صهیونیستی به ترتیب به مسائل اقتصادی و امنیت اهمیت داده‌اند و حزب میرتس نیز بیشتر بر مسائل مذهبی و مذاکرات سازش تمرکز نموده‌اند. در این میان احزاب خانه یهودی و فهرست یکپارچه عربی نیز با تاکید بر مسائل هویت دولت و مسائل قومیتی در این انتخابات شرکت کرده‌اند. مهم در این تحقیق بررسی عوامل موثر بر رفتار رای‌دهی در رژیم صهیونیستی است، لذا به اعتقاد نگارنده با توجه به برنامه‌های سیاسی و اقتصادی مطروحه احزاب در این رژیم، مهم برای رای‌دهنده میزان برآورده‌سازی خواسته‌های خویش از سوی احزاب است، به گونه‌ای که برای تحقق اهداف اقتصادی به سمت احزابی مانند اردوگاه صهیونیسم، برای دستیابی به امنیت به سمت لیکود و برای رسیدن به راه‌حل منطقی در مذاکرات سازش، مسائل قومی - مذهبی و مسائلی از این قبیل به طرف احزاب میرتس، هاتنوعا، کار لیکود و غیره کشانده می‌شود و نمی‌توان یک عامل خاص را مد نظر قرار داد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات رسا.
- ۲- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، مشارکت انتخاباتی؛ مشارکت سیاسی، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ۳- دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران: انتشارات کویر.
- ۴- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۹۲)، «نگرش‌ها و رفتارهای انتخاباتی»، نمایه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
- ۵- سید امامی، کاووس (۱۳۸۴)، سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی، تهران: سازمان ملی جوانان.
- ۶- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۶.
- ۷- مور، استفان (۱۳۸۵)، کلیات جامعه‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات علم.
- ۸- میلبرث، لستر (۱۳۹۱)، مدل‌های ارتباط جمعی، ترجمه گودرز میرانی، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- ۹- یوسفی، علی (۱۳۸۳)، «تحلیل فرا نظری رای: ارائه یک مدل مفهومی»، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

منابع غیر فارسی

- 1- Anderain, Charles F. and Apter, David E. (1995), Political Protest and Social Change: Analyzing Politics, London: MC Millan.
- 2- Dowse, Robert E. & Hughes, Jon A. (1986), Political Sociology, London: Great Britain.
- 3- Eldar, Akiva (2015), "Insecurity Strengthens Israel Right," Sait of Admonitor: <http://www.al-monitor.com/pulse/en/contents/articles/originals> .
- 4- Halevi, Nadav (2014), "A Brief Economic History of Modern Israel," <http://www.eh.net/encyclopedia/a-brief-economic-history-of-modern-Israel> .
- 5- Lazarsfeld, Paul (1994), The People Choice, Colombia University Press.
- 6- Rose, Rechar (2000), International Encyclopedia of Election, London: Oxford University Press.
- ۷- أطرش، عاصی (۲۰۱۴)، «المشهد الاقتصادي»، فی هنيده غانم (محرر)، تقرير مدار الاستراتيجي ۲۰۱۴: المشهد الاسرائيلي ۲۰۱۳، رام الله: المركز الفلسطيني للدراسات الاسرائيلية.
- ۸- أودي، اديب (۲۰۱۵)، «الشرح الاجتماعي في اسرائيل و تأثيره في الانتخابات»، مركز الجزيرة للدراسات، انظر موقع القناه: <http://www.Aljazeera.net/specialfailes/0a6738261-78c8-4dc>
- ۹- أيله، هلر (۲۰۱۳)، «الأيديولوجيا أم القائد؟ الأمن أم المجتمع؟»، المعهد الاسرائيلي للديمقراطية، انظر الرابط التالي: <http://www.bit.ly/IzrRamzv>
- ۱۰- أيله، هلر (۲۰۱۵)، «الكنيست ال ۲۰ و التحولات الداخليه»، صحيفه بديعوت احرونوت، راجع موقع الصحيفه في: http://www.ynet.co.il/articles/0/7340_L4602055/00html

- ۱۱- بلاندر، دانه (۲۰۱۱)، «اخيرا احتجاجات طبقه في اسرائيل»، المعهد الاسرائيلي للديمقراطيه، راجع موقع المعهد: <http://www.idi.org.il>
- ۱۲- توكر، نتى (۲۰۱۵)، «جدول الاعمال يتركز على نتانياهو بدل القضايا الجوهرية»، صحيفه هاآراتس، انظر رابط الصحيفه: <http://www.haaretz.co.il/news/elections/1.2571195>
- ۱۳- جريس، حسام (۲۰۱۴)، «المشهد الاقتصادى»، فى هنيده غانم (محرر)، تقرير مدار الاستراتيجى ۲۰۱۳: المشهد الاسرائيلى ۲۰۱۲، رام الله: المركز الفلسطينى للدراسات الاسرائيليه.
- ۱۴- جلادى، جدد (۲۰۱۴)، اسرائيل نحو انفجار داخلى، الطبعة الاولى، الجيزه: دار البيادر للنشر و التوزيع.
- ۱۵- حيدر، عزيز (۲۰۱۵)، «النظام الاقتصادى فى اسرائيل: هيمنه السياسه بين الانجازات و الاخفاقات»، مجله الدراسات الفلسطينيه، مجلد ۱۳، عدد ۷۵.
- ۱۶- دلال، جنات (۲۰۱۵)، «الانتخابات الاسرائيليه: الاتجاهات و سناريوهات المستقبل»، مجله الفكر العربى، مركز دراسات الوحدة العربيه، السنه الرابعه، العدد ۲۷.
- ۱۷- ريم، فريال (۲۰۱۵)، «نظرة فى استطلاع فوكس حول الانتخابات الصهيونيه»، يديعوت احرونوت، راجع موقع الصحيفه: <http://www.ynet.co.il/news/articles/02/2015>
- ۱۸- سابين، فريد (۲۰۱۴)، «تقرير الفقر البديل»، نقلا عن موقع جمعيه لتت: <http://bit.ly/1EYie7r>
- ۱۹- سراج، احمد (۲۰۱۵)، «حزب الليكود: تداعيات مابعد انتخابات ال ۲۰»، موقع وكالة الانباء و المعلومات الفلسطينيه (وفا)، انظر: <http://www.wafainfo.ps/atemplate.aspx?id=4873>
- ۲۰- سنجر، تسفى (۲۰۱۴)، «المجتمع الاسرائيلى فى ظل الانتخابات المبكره»، موقع صحيفه ميگافون، انظر موقع الصحيفه: <http://www.megafon-news.co.il/asys/archives/205334>
- ۲۱- شاحك، اسرائيل (۲۰۱۴)، تاريخ اليهود و ديانتهم و اثره على الناخب الاسرائيلى، ترجمه ناصر السعدون، طبعه خاصه، دمشق: داركنعان.
- ۲۲- شحاده، امطانس (۲۰۱۵)، «هل يصمد الاقتصاد الاسرائيلى غداه الجرف الصامد»، مؤسسه الدراسات الفلسطينيه، على الموقع التالى: <http://www.palestin-studiest.org/sites/default/failes>
- ۲۳- شفيرتس، أليعزر و تصديق، عامى (۲۰۱۵)، «الأزمة الاقتصادية العالميه»، موقع الكنيست، انظر الرابط التالى للكنيست: <http://www.knesset.gov.il/mmm/data/pdf/m02191>
- ۲۴- شنهاف، يهودا (۲۰۱۵)، «زمن الخط الاخضر»، مجله قضايا اسرائيليه، مدار، السنه العاشره، عدد ۷۶.
- ۲۵- علاء، محمد (۲۰۱۵)، «على ماذا فعلا تقوم الانتخابات هنا؟»، انظر: <http://www.sonoflaser.com>
- ۲۶- فابل، طال (۲۰۱۵)، «الاحتجاجات الاجتماعيه و شبكات التواصل الاجتماعى»، موقع الكنيست، انظر على الرابط التالى: <http://www.knesset.gov.il/mmm/date/pdf/m03096>
- ۲۷- قوش، شرون (۲۰۱۵)، «صدام العرب اليهود بالصهاينه»، ترجمه من سماح ادريس، مجله الآداب، السنه الثانيه العدد ۵۶، انظر موقع الجريده: <http://www.adabmag.com/node/70>

٢٨- لافى، تسبى (٢٠١٤)، «الأزمات الاقتصادية فى تاريخ اسرائيل»، صحيفه بديعوت احرونوت، راجع موقع الصحيفه:

<http://www.ynet.co.il/articles/0,7340,L-3615437,00html>

٢٩- ماجد، كمال (٢٠١٤)، العلاقه بين المتدينين و العلمانيين فى اسرائيل: الماضى/الحاضر/المستقبل، بيروت: مركز تكنولوجيا التعليم.

٣٠- موقع القناه الثانيه العبريه (٢٠١٥)، «خطاب نتانياهو للأعلان عن حل الحكومه و الانتخابات المبكره»، انظر على الموقع التالى: <http://www.mako.co.il/news-military/politics/bb6b>.

٣١- موقع القناه العاشره (٢٠١٥)، انظر: <http://news.nana10.co.il/article/?1105862&pid>

٣٢- موقع ماکو (٢٠١٥)، «استطلاع راى حول انتخابات الكنيست أجرتة قناه الثانيه العبريه»، موقع ماکو الاخبارى، انظر:

<http://www.mako.co.il/news-military/politics-q4-2015>